

مهاجرت غیرقانونی و تبعات اقتصادی آن در کشورهای میزبان (با تأکید بر مهاجران افغانی در ایران)

سعید عیسی زاده^۱ * جهانبخش مهرانفر^۲

چکیده

ایران در طول سال‌های گذشته شاهد سیل عظیمی از مهاجران غیرقانونی افغانی بوده است. این مهاجران علاوه بر اینکه در ابعاد مختلف فرهنگی، ازدواج، اشتغال، آموزش، بهداشت، ناهنجاری‌ها، جرائم، مسکن و... تأثیرگذار بودند، اقتصاد ایران را نیز مستقیماً تحت تأثیر قرار داده‌اند. این مقاله، با توجه به محدودیت اطلاعات آماری مربوط به تعداد مهاجران غیرقانونی و نحوه فعالیت آنها در بازار کار، قصد دارد به بررسی اثرات اقتصادی مهاجران غیرقانونی در قالب تحلیل‌های تئوریک بپردازد. این تحلیل‌ها کاملاً منطبق با شرایط اقتصاد ایران و مهاجران غیرقانونی حاضر در آن بوده و تصویر روشنی از اثرات اقتصادی مهاجران غیرقانونی افغانی در ایران را آشکار می‌سازد. بررسی سیاست‌های مختلف برخورد با مهاجران غیرقانونی و استفاده از تجارب کشورهای مختلف جهت اتخاذ سیاستی مناسب برای برخورد با مهاجران غیرقانونی کشورمان از دیگر اهداف این مقاله است.

واژگان کلیدی

مهاجرت غیرقانونی، اشتغال غیرقانونی، نیروی کار غیرماهر، مهاجران افغانی و اقتصاد ایران.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال اول • شماره دوم • بهار ۱۳۹۱ • صص ۹۷-۱۱۶

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده اقتصاد.
۲. کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی.

مقدمه

رشد بسیار گسترده مهاجرت بین‌المللی در دهه‌های اخیر، با افزایش مهاجرت غیرقانونی و زیر پا گذاشتن قوانین مرزی کشورها یا عدم رعایت شرایط ویزاهای صادر شده همراه بوده است. مهاجرت غیرقانونی که عمدتاً دلایل اقتصادی داشته و با هدف ورود به بازار کار، اشتغال و کسب درآمد صورت می‌گیرد، پیامدهای مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را برای کشور میزبان به دنبال دارد. اما در این میان، اثرات اقتصادی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و اخیراً اقتصاددانان کشورهای مختلف را به انجام تحقیقات جدی در این زمینه واداشته است. مهاجران غیرقانونی به خاطر ویژگی‌ها و موقعیت خاص خود، به‌ویژه سرمایه انسانی پایین و عدم برخورداری از حمایت‌های قانونی، اثراتی را متمایز از اثرات مهاجران قانونی، در اقتصاد کشور مقصد بر جای می‌گذارند. این نوع مهاجران اکثراً غیرماهر بوده و در بازار کار، بازار مسکن و همچنین برای دریافت کمک‌های ملی و همگانی با کارگران با مهارت پایین بومی رقابت می‌کنند (Altonji & Card, 1991). اگرچه آنها در ابتدا مهاجران غیررسمی موقتی یا کارگران مهمان به نظر می‌رسند، اما به مرور زمان تعلق و وابستگی آنان در کشور میزبان افزایش یافته و استفاده آنها از پرداخت‌های انتقالی و خدمات عمومی در سطح وسیع، هزینه‌های سرسام‌آوری را ایجاد می‌کند (Chiswick, 1986).

یکی از کشورهایی که در طول سال‌های گذشته شاهد سیل عظیمی از مهاجران غیرقانونی بوده، ایران است. آمارها نشان می‌دهند که بیش از ۹۹ درصد از مهاجران افغانی به‌طور غیرقانونی از مرزهای کشورشان وارد ایران شده‌اند (احمدی موحد، ۱۳۸۲). از این‌رو، ایران میزبان مهاجرانی است که اکثریت آنها به‌طور غیرقانونی و بدون مجوز رسمی وارد ایران شده و مشکلات عدیده‌ای را در ابعاد مختلف فرهنگی، ازدواج، اشتغال، آموزش، بهداشت، ناهنجاری‌ها، جرائم، مسکن و... برای ایران به وجود آورده‌اند. بنابراین جهت شناخت ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغانی در ایران، نیاز

میرم به انجام تحقیقات متفاوت در ابعاد مختلف و مقایسه نتایج آنها با یکدیگر وجود دارد. در این راستا با توجه به نبود مطالعه‌ای در مورد اثرات اقتصادی مهاجران غیرقانونی، ضروری دیدیم به انجام این مطالعه پرداخته و سیاست‌های مختلف برخورد با مهاجران غیرقانونی را با هدف استفاده مسئولین از تجارب کشورهای مختلف در جهت اتخاذ سیاستی مناسب برای برخورد با مهاجران افغانی کشورمان مورد بررسی قرار دهیم. از آنجا که از تعداد مهاجران غیرقانونی افغانی، اشتغال، دستمزد و سایر اطلاعات اقتصادی مورد نیاز آمار دقیقی در دست نبوده و انجام مطالعه‌ای تجربی و دقیق در مورد اثرات اقتصادی این مهاجران امکان‌پذیر نیست، تنها از دیدگاه تئوریک، پیامدهای اقتصادی مهاجران غیرقانونی را بررسی می‌کنیم. برای این منظور پس از نگاهی گذرا به حضور مهاجران غیرقانونی افغانی در ایران، مباحث تئوریک مربوط به مهاجرت غیرقانونی را مورد بحث قرار داده و سیاست‌های برخورد با مهاجران غیرقانونی و علل کارساز بودن یا نبودن این سیاست‌ها را مطرح می‌کنیم. در نهایت پس از نگاهی به سیاست‌های ایران در قبال مهاجران افغانی، خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱. نگاهی گذرا به حضور مهاجران غیرقانونی افغانی در ایران

در طول سال‌های گذشته، به دلیل وجود جنگ‌های داخلی و اوضاع نابسامان اقتصادی در افغانستان، مردم این کشور مجبور شده‌اند به کشورهای دیگر مهاجرت کنند. اکثر افغان‌هایی که تحصیلات بالایی داشته و در گروه افراد ماهر به شمار می‌آیند، به کشورهای اروپایی و آمریکا مهاجرت کرده‌اند. آنهایی هم که از سطح تحصیلات و مهارت‌های بسیار پایینی برخوردارند، به سمت مرزهای ایران و پاکستان روی آورده‌اند. با اینکه عواملی چون اشتراکات زبانی و مذهبی در مهاجرت افغان‌ها به ایران مؤثر بوده است، اختلاف سطح توسعه اقتصادی ایران و افغانستان مهم‌ترین عامل مهاجرت نیروی کار افغانی به ایران به شمار می‌رود (Abaasi et al., 2006). نکته مهم در جریان مهاجرت افغان‌ها به ایران، گسترش شبکه‌های قاچاق و تحرکات غیرقانونی در مرزهای دو کشور است، به طوری که طبق آمار اعلام شده، کمتر از یک درصد (۰/۷۴) افغان‌های وارد شده به ایران با مجوز رسمی از مرزهای دو کشور عبور کرده‌اند (همان). لازم به ذکر است که از کل مهاجران افغانی که در ایران پناه گرفته‌اند، کمتر از ۱۰ درصد در اردوگاه‌های ویژه پناهندگان بوده و بقیه وارد شهرها و روستاهای ایران شده و برای تأمین معارج خود مشغول به کار شده‌اند. از این‌رو،

حضور پررنگ کارگران افغانی غیرقانونی در بازار کار ایران مسئله‌ای انکارناپذیر است. کارگران افغانی عمدتاً بی‌سواد و غیرماهر هستند، به طوری که بیش از ۹۸ درصد از کارگران افغانی دارای مدرک دیپلم یا زیر دیپلم هستند (وزارت کشور، ۱۳۸۰). آنها در حاشیه شهرهای در حال توسعه در مراکز اقتصادی همچون سنگبری‌ها، مرغداری‌ها، گاوداری‌ها و در شمال کشور در چوب‌بری‌ها مشغول به کار بوده و در مناطق شهری مشغول کارهای ساختمانی هستند. افغان‌های شاغل در بخش ساختمان اغلب شب و روز خود را در محل کار و در یک اتاق کوچک یا در زیر یک چادر سپری می‌کنند. این کارگران علاوه بر آنکه از ابتدایی‌ترین امکانات ایمنی (نظیر کلاه ایمنی) محرومند، اکثراً با اشتغال موقتی و کوتاه‌مدت نیز مواجهند.

افغان‌ها به دلیل غیرقانونی بودن، مجبورند کارهای سخت و طاقت‌فرسا را با دستمزدهای پایین انجام دهند. در ضمن، کارگران افغانی معمولاً بدون عقد قرارداد رسمی مشغول به کار می‌شوند؛ به طوری که کمتر از ۳ درصد کارگران افغانی حاضر در بازار کار ایران قرارداد کتبی کار دارند و بیش از ۷۷ درصد آنها قراردادشان شفاهی است. ۲۰ درصد باقی‌مانده هم هیچ‌گونه قرارداد تعریف شده‌ای با کارفرمایان ندارند (Piasiri et al., 2006). باید توجه داشت که حتی مهاجران قانونی که کارت پناهندگی دریافت نکرده‌اند، مشمول قانون کار نمی‌شوند، به طوری که کارگران افغانی از هر گونه بیمه مربوط به کار نظیر بیمه حوادث، بیمه بیکاری و بیمه بازنشستگی نیز بی‌بهره‌اند. همین امر باعث شده تا کارگران افغانی، اعم از قانونی و غیرقانونی، در صورت صلاحدید کارفرمایان به راحتی از کار برکنار شده و هیچ‌گونه اطمینان شغلی نداشته باشند. همچنین، به دلیل عدم وجود حمایت‌های قانونی از این افراد، احتمال عدم پرداخت حقوق و دستمزد آنها هم بالاست. پس دستمزد این افراد هم با عدم قطعیت همراه است. کارفرمایان نیز، برای گریز از قانون و ارائه خدمات مناسب مانند اضافه کاری و بیمه، آنان را با کمترین هزینه استخدام می‌کنند. بنابراین، افغانه عرضه نیروی کار غیرماهر کشور را افزایش داده و به دلیل پذیرش دستمزدهای پایین، عملاً به رقابت با نیروی کار با مهارت پایین بومی پرداخته‌اند.

۲. عرضه و تقاضای مهاجرت غیرقانونی

مهاجرانی که در مرزهای کشورهای خارجی بدون دریافت مجوز تردد می‌کنند، یا اینکه به طور قانونی و با دریافت ویزا وارد کشوری می‌شوند، ولی بیش از مدت تعیین شده اقامت

کرده یا برخلاف شرایط تعیین شده در ویزا به اشتغال می‌پردازند، به عنوان مهاجر غیرقانونی شناخته می‌شوند (Chiswick, 2000). پس مهاجرت غیرقانونی همواره با زیر پا گذاشتن قوانین کشورها همراه بوده و اطلاع دقیق از تعداد و نحوه فعالیت افرادی که اقدام به این نوع مهاجرت می‌کنند عملاً امکان‌پذیر نیست. مهاجرت قانونی در جهت نظرات و سیاست‌های دولت‌ها بوده و بر اساس خواست آنها، تعداد، مدت اقامت و خصوصیات شغلی مهاجران معین می‌شود. بیشتر نوشته‌های اقتصادی بر روی عرضه و تقاضای مهاجران قانونی و تأثیر آنها بر سطح اشتغال و دستمزد بومیان تمرکز می‌کنند، زیرا آمار مربوط به این مهاجران در دسترس بوده و تجزیه و تحلیل اثرات آنها به صورت استاندارد امکان‌پذیر است. اما مطالعه تجربی بسیار کمی در مورد اثرات مهاجران غیرقانونی صورت گرفته است، چراکه هم آمار مربوط به آنها در دسترس نبوده و هم اینکه پیامدهای آنها در کشور مقصد موضوع بسیار پیچیده‌ای است. در این مقاله نیز به دلیل محدودیت‌های بیان شده، تنها به بررسی اثرات مهاجرت غیرقانونی از دیدگاه تئوری‌های اقتصادی پرداخته شده است.

۱-۲. عرضه مهاجران غیرقانونی

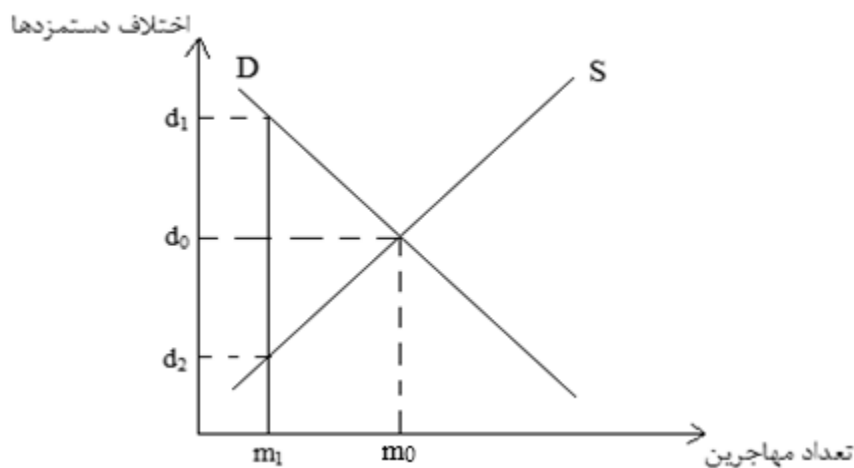
با این فرض که جریان مهاجرت تنها از عوامل اقتصادی سرچشمه گرفته است، عرضه کارگران مهاجر غیرقانونی مورد بحث قرار می‌گیرد. دو کشور A و B را در نظر می‌گیریم. به طوری که در کشور A کارگران یک گروه مهارتی خاص به دلایلی چون فناوری پیشرفته‌تر، بالا بودن موجودی سرمایه و سرمایه انسانی کارگران و نیز فراوانی منابع طبیعی برای هر کارگر، دستمزد حقیقی بالایی دریافت می‌کنند. اما کارگران کشور B به دلایلی همچون وجود موانع قانونی، هزینه‌های بالای مهاجرت یا پایین بودن اختلاف دستمزدها به کشور A مهاجرت نمی‌کنند. اکنون حالتی را در نظر می‌گیریم که در آن موانع قانونی وجود نداشته، هزینه‌های مهاجرت پایین آمده و به دنبال افزایش دستمزدها در کشور A یا کاهش دستمزدها در کشور B، اختلاف دستمزدها افزایش یابد. اگر با دید هزینه - فایده تصمیم به مهاجرت کارگران کشور B را مورد تحلیل قرار دهیم، نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در امر مهاجرت افزایش خواهد یافت. مطابق این دیدگاه، انگیزه اقتصادی برای مهاجرت زمانی وجود خواهد داشت که ارزش فعلی درآمدهای حاصل از مهاجرت

۱. با توجه به اینکه مهاجران غیرقانونی کشورمان به دلایل اقتصادی مهاجرت کرده‌اند، این فرض جهت مطابقت کامل تحلیل‌های صورت گرفته با وضعیت مهاجرت غیرقانونی در کشور، در نظر گرفته شده است.

از ارزش فعلی هزینه بهره‌ای سرمایه انسانی بیشتر باشد. در نتیجه، در صورت نبود موانع قانونی، تا زمانی که نرخ بازدهی مهاجرت بیشتر از نرخ بهره سرمایه انسانی افراد در کشور خویش (B) باشد و سود اقتصادی برای تحرک افراد از کشور B به کشور A وجود داشته باشد، پدیده مهاجرت صورت خواهد گرفت. به دیگر سخن، اختلاف دستمزدها بین دو کشور تا اندازه‌ای حفظ می‌شود که ارزش فعلی اختلاف دستمزدها با ارزش فعلی کل هزینه‌های مهاجرت برابر شود. این حالت با سطح مهاجرت m_0 و اختلاف دستمزد d_0 بر روی نمودار ۱ نشان داده شده است که نقطه تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار مهاجر را نشان می‌دهد. بر روی این نمودار، عرضه نیروی کار مهاجر با S و تقاضای آن با D نشان داده شده است. موانع قانونی برای تحرک نیروی کار در بین مرزهای دو کشور می‌تواند فزونی نرخ بازدهی مهاجرت از نرخ بهره سرمایه انسانی در کشور مبدأ را حفظ کند.

این اختلاف دستمزدها نمی‌تواند همیشگی باشد، چرا که در بلندمدت تحرک سایر عوامل تولید (نظیر سرمایه) و تجارت آزاد کالاها می‌تواند منجر به برابری قیمت همه عوامل تولیدی شود. به هر حال، بالا بودن اختلاف دستمزدها انگیزه‌ای برای مهاجرت نیروی کار است. اگر کشور A موانع قانونی را برداشته و تعداد مشخصی از کارگران کشور B را به عنوان مهاجر قانونی پذیرا باشد، کارگران کشور B با توجه به بالا بودن دستمزدها اقدام به مهاجرت خواهند کرد. در این حالت با توجه به عمودی شدن منحنی عرضه نیروی کار در سطح m_1 اختلاف دستمزدها d_1 خواهد بود. با توجه به نمودار ۱ و مطالب گفته شده، اختلاف دستمزدها در این حالت، به اندازه‌ای بالا هست که انگیزه اقتصادی برای مهاجرت نیروی کار وجود داشته باشد. اما به دلیل محدود بودن پذیرش مهاجر قانونی از سوی کشور A، کارگران کشور B تصمیم می‌گیرند به طور غیرقانونی به این کشور مهاجرت کنند. این تحرک غیرقانونی نیروی انسانی تا زمانی ادامه می‌یابد که تعداد مهاجران به سطح m_0 رسیده و امر مهاجرت دیگر سود اقتصادی در بر نداشته باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که در غیاب تعدیلات گفته شده در بالا (مانند تعدیل از طریق تحرک سرمایه)، مهاجرت می‌تواند رانت اقتصادی بالایی به اندازه $d_1 - d_2$ داشته باشد. از این رو مهاجرت غیرقانونی، واکنشی است به عدم تعادل در بازارهای کار بین‌المللی که در نتیجه وجود موانع تحرک نامحدود عوامل تولید نظیر نیروی کار به وجود می‌آید. (Ibid).

نمودار ۱. عرضه مهاجران غیرقانونی



البته باید توجه داشت که عرضه مهاجران غیرقانونی که تابعی صعودی از اختلاف دستمزدها در نظر گرفته شد، تحت تأثیر عوامل دیگری همچون هزینه‌های پایین مهاجرت، احتمال کم دستگیری مهاجران و جریمه اندک آنها در صورت دستگیری نیز قرار دارد؛ به طوری که این عوامل منحنی عرضه را به سمت راست منتقل کرده و موجب افزایش عرضه نیروی کار مهاجر می‌شوند. مهاجران محدودیت‌های اعمال شده از طرف بازار کار و نهادها را در نظر گرفته و احتمال پیدا کردن کار و همچنین ریسک اشتغال غیرقانونی را قبل از ورود به کشور مقصد مورد سنجش قرار می‌دهند. مهم‌ترین انگیزه مهاجران برای کار در یک کشور بیگانه، بالا بردن درآمدهای شخصی است؛ اما درآمد مورد انتظار یک مهاجر غیرقانونی مطمئن نیست، زیرا همواره احتمال دستگیری او توسط مرزبانان کشور خود یا دستگیری و اخراج او توسط نیروهای کشور مقصد و در نتیجه جریمه و مجازات او وجود دارد. بنابراین، برخلاف مهاجران قانونی، مهاجران غیرقانونی باید احتمال شناسایی و جریمه را نیز در نظر بگیرند. آنها اطلاعات مربوط به کشور مقصد را می‌توانند از طریق رسانه‌های عمومی که میزان موفقیت یا عدم موفقیت مهاجران را گزارش می‌کنند به دست آورند. منظور از کسب اطلاعات چیزی جز احتمال شناسایی، جریمه‌های ممکن و دستمزدهای قابل دسترس در کشور مقصد نیست. از این رو تصمیم به مهاجرت، به اختلاف درآمد غیر مطمئن انتظاری در کشور مقصد و درآمد نسبتاً با ثبات در کشور مبدأ بستگی

دارد که عامل تعیین کننده آن نیز اقدامات مرزی و داخلی کشور مقصد است. در صورت اختصاص منابع زیاد برای اقدامات مرزی و داخلی و اعمال جریمه‌های سنگین در صورت شناسایی مهاجران غیرقانونی، عرضه مهاجرت غیرقانونی پایین می‌آید.

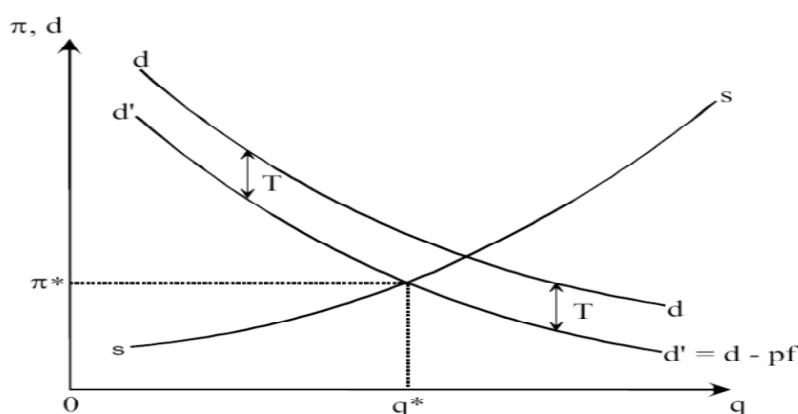
۲-۲. تقاضای مهاجران غیرقانونی

اگر فرض قبلی مبنی بر اینکه مهاجرت تنها به دلایل اقتصادی صورت می‌گیرد برقرار باشد، تقاضای کارفرمایان برای مهاجران غیرقانونی، به دنبال افزایش اختلاف میان دستمزدهای پرداختی به نیروی کار قانونی حاضر در بازار کار و پایین‌ترین دستمزدی که مهاجران غیرقانونی را تحریک به مهاجرت می‌کند، افزایش می‌یابد. تقاضا برای مهاجران غیرقانونی می‌تواند با پایین آمدن بهره‌وری آنها یا با افزایش هزینه‌های به کارگیری آنان کمتر شود. جریمه کارفرمایانی که مهاجران غیرقانونی را به کار می‌گیرند، به عنوان سازوکاری عمل می‌کند که اشتغال این نوع مهاجران را با افزایش هزینه‌های به کارگیری آنان کاهش می‌دهد. در فرایند تولید و فروش یک محصول، اگر قیمت کالای تولیدی، مقدار عرضه آن در بازار، کیفیت تولید و نیز عوامل تولیدی ثابت فرض شوند، حداکثر کردن درآمد، معادل حداقل کردن قیمت عوامل تولیدی از جمله دستمزدها خواهد بود. تمامی این فروض در بازار کار محصولاتی که توسط نیروی کار با مهارت پایین تولید می‌شوند و در امر تولید میزان تحصیلات و تجربه کارگران از اهمیت پایینی برخوردار است، معقول هستند. هزینه به کارگیری مهاجران غیرقانونی هم تنها دستمزد آنها است، زیرا کارفرمایانی که مهاجران غیرقانونی را استخدام می‌کنند، هیچ هزینه دیگری مثل حق بیمه، پاداش و مزایا و مالیات در قبال به کارگیری این کارگران پرداخت نمی‌کنند. به هر حال کارفرمایانی که مهاجران غیرقانونی را به کار می‌گیرند با ریسک هزینه‌های بالا به دلیل احتمال شناسایی و جریمه مواجه خواهند بود. بنابراین میزان احتمال شناسایی و مقدار جریمه در صورت دستگیری، عامل تعیین کننده تقاضا برای مهاجران غیرقانونی است. با بالا رفتن احتمال دستگیری و صدور جریمه‌های سنگین، انگیزه کارفرمایان برای به کارگیری مهاجران غیرقانونی از دست رفته و به دنبال کاهش تقاضا برای کارگران غیرقانونی دستمزدها نیز کاهش پیدا می‌کند. همچنین به دلیل عدم حمایت قانونی از قراردادهای این گروه، احتمال عدم پرداخت حقوق و دستمزد آنها هم بالاست. پس دستمزد این افراد هم با عدم قطعیت

همراه است. عوامل فوق، سودآوری اشتغال غیرقانونی را پایین آورده و مهاجرت غیرقانونی را کاهش می‌دهند. اما باید توجه داشت که افزایش حداقل دستمزدها منجر به افزایش تقاضا برای مهاجران غیرقانونی خواهد شد، زیرا این امر در یک محیط اقتصادی کاملاً رقابتی، انگیزه برای استفاده از کارگران مهاجر غیرقانونی و اخراج کارگران با مهارت پایین بومی را افزایش می‌دهد. از این رو سیاست‌های بازار کار ممکن است ناخواسته بر تعداد مهاجران غیرقانونی حاضر در بازار کار تأثیر گذارد.

نمودار ۲، استدلال‌های ذکر شده در بالا را با استفاده از مبانی پایه‌ای اقتصاد توضیح می‌دهد. بر روی این نمودار، منحنی تقاضا برای مهاجران غیرقانونی (dd) شیب نزولی دارد؛ به این معنی که با افزایش دستمزدهای مهاجران غیرقانونی (π)، تقاضا برای آنها کاهش می‌یابد. منحنی عرضه ss نیروی انسانی ارائه شده توسط مهاجران را در دستمزدهای مختلف نشان می‌دهد. P نشان‌دهنده احتمال شناسایی و f نشان‌دهنده شدت مجازات کارفرمایان به کارگیرنده مهاجران غیرقانونی است. اگر مقیاس متغیر مربوط به یکی از این سیاست‌ها یا هر دوی آنها افزایش یابد، هزینه به کارگیری کارگران مهاجر غیرقانونی بالا رفته و کارفرمایان انگیزه لازم برای جذب این کارگران را از دست می‌دهند. این مطلب با انتقال منحنی تقاضا به سمت پایین ($d'd'$) نشان داده شده است. این انتقال، دستمزد پایین‌تری (π^*) را برای کارگران مهاجر غیرقانونی در برداشته و تعداد مهاجران حاضر در بازار کار را به q^* کاهش می‌دهد.

نمودار ۲: تقاضای مهاجران غیرقانونی



پارامترهای P و f را سیاست‌های مهاجرت تعیین می‌کنند. بالا رفتن جریمه‌های تعیین شده برای کارفرمایان، منافع حاصل از اشتغال غیرقانونی نیروی کار مهاجر را پایین می‌آورد. کارفرمایان از دستگیری و پرداخت جریمه‌های سنگین هراس داشته و دستمزد کارگران را پایین می‌آورند. این امر می‌تواند منحنی عرضه را تحت تأثیر قرار داده و آن را به سمت بالا و چپ انتقال دهد؛ به طوری که دستمزدهای پرداختی به مهاجران غیرقانونی ممکن است دوباره افزایش یابد (Boswell & Straubhaar, 2004). البته در نمودار ۲ فرض بر این است که طرف عرضه از اقدامات بازدارنده تأثیر نمی‌پذیرد.

۳. مهارت‌های مهاجران غیرقانونی

اصلی‌ترین مشخصه کارگران غیرقانونی این است که از مهاجران قانونی دائمی حاضر در بازار کار کشور مقصد سطح مهارتی کمتری دارند. بخشی از این مسئله به قوانین مهاجرت برمی‌گردد. طبق قوانین مهاجرت، در بسیاری از کشورهای مهاجرپذیر، کارگران ماهر، کارگران فنی و مدیران از اولویت پذیرش برخوردارند. در نتیجه، با توجه به پذیرش کارگران ماهر در این کشورها، این کارگران غیرماهر هستند که مجبور می‌شوند دست به مهاجرت غیرقانونی بزنند. بخش دیگری از آن به قوانین بازار کار مربوط می‌شود. در بازار کار رسمی که نیاز به گواهی‌های تحصیلی، جواز شغلی و عضویت در اتحادیه‌ها وجود دارد، کتمان غیرقانونی بودن، برای مهاجر بسیار مشکل بوده و مهاجران برای ورود به چنین بازار کارهایی مجبورند به طور قانونی عمل کنند. گواهی‌های تحصیلی و جوازهای شغلی هم مختص شغل‌های با مهارت بالاست تا شغل‌های با مهارت پایین. از این رو برای کارگرانی که دارای مدارک تحصیلی و شغلی بوده و قصد مهاجرت از کشور خود را دارند، مهاجرت غیرقانونی هیچ جذابیتی نداشته و آنها با ارائه مدارک خود به طور قانونی وارد بازار کار رسمی می‌شوند. اما کارگران با مهارت بسیار پایین و فاقد جواز شغلی که توان ورود به بازار کار رسمی را ندارند، با ورود به بازار کار غیر رسمی به عنوان مهاجر غیرقانونی در بازار کار به فعالیت می‌پردازند (Chiswick, 1984).

سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی مهاجران شامل مهارت‌های زبانی کشور مقصد، اطلاعات بازار کار، آموزش شغلی و عضویت در اتحادیه‌ها، از اولویت‌های برنامه‌های مهاجرت در کشورهای مختلف است. اما پیش‌بینی اقامت‌های با وقفه و کوتاه‌مدت مهاجران غیرقانونی در کشور مقصد، انگیزه برای سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی این

مهاجران را کاهش می‌دهد. سرمایه انسانی ویژه کشور مقصد که به صورت اکتسابی است، در دورانی که مهاجران به خانه برمی‌گردند به تدریج از بین می‌رود. از این گذشته، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در سرمایه انسانی مهاجران توسط کشور مبدأ در زمان قبل از مهاجرت یا در زمان اقامت موقت مهاجران در خانه خود، زمانی که آنها در کشور مقصد به سر می‌برند به تدریج مستهلک شده و ارزش خود را از دست می‌دهند. یک رابطه مکملی بین سرمایه انسانی قابل انتقال بین‌المللی و سرمایه انسانی ویژه کشور مقصد وجود دارد که هر کدام بهره‌وری دیگری را بالا می‌برد. بازدهی پایین سرمایه انسانی کشور مقصد انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در مهارت‌های قابل انتقال بین‌المللی را کم می‌کند. موارد ذکر شده ایجاب می‌کنند که مهاجران غیرقانونی از سرمایه‌گذاری‌های کمتری در سرمایه انسانی کشور مقصد برخوردار باشند. از این رو مهاجران غیرقانونی نسبت به مهاجران قانونی و بومیان کشور مقصد مهارت‌های پایینی دارند.

۴. اثرات مهاجرت غیرقانونی

آثار مهاجران غیرقانونی به دلیل ویژگی‌ها و موقعیت خاصی که این مهاجران دارند، متفاوت از آثار مهاجران قانونی است. سطوح مهارتی پایین مهاجران غیرقانونی یکی از موارد مهمی است که تأثیر آنان در اقتصاد کشور میزبان را متمایز ساخته است. آنها در بازار کار با کارگران با مهارت پایین بومی^۱ و در بازار مسکن و برای دریافت کمک‌های همگانی با خانواده‌های کم درآمد رقابت می‌کنند. حضور گسترده مهاجران غیرقانونی در کشور مقصد، این رقابت‌ها را شدت بخشیده و رفاه اقتصادی بومیان فقیر را کاهش می‌دهد. از طرف دیگر، عرضه بالای کارگران غیرماهر دستمزدهای کارگران ماهر و بازدهی سرمایه را افزایش می‌دهد. در نتیجه این بومیان با درآمد پایین هستند که هزینه بالایی برای مهاجرت غیرقانونی می‌پردازند. برخی معتقدند که کارگران مهاجر غیرقانونی منافی نیز برای کشور میزبان دارند. مهم‌ترین استدلال آنها این است که مهاجران غیرقانونی کارهایی را انجام می‌دهند که کارگران بومی حاضر به انجام آنها نیستند^۲ (Chiswick, 1983).

۱. همان‌طور که مهاجران افغانی کشورمان با کارگران با مهارت پایین بومی رقابت کرده و جانشین آنها شده‌اند. برای مطالعه بیشتر به تحقیق دکتر سعید عیسی‌زاده با عنوان «اثرات اقتصادی مهاجران افغانی در بازار کار ایران» مراجعه شود.

۲. این امر در مورد مهاجران افغانی کشورمان کاملاً صادق است. مهاجران افغانی علاوه بر انجام کارهای بسیار سخت، کارهای کثیف را با دستمزدهای پایین انجام می‌دهند. آنها در کارهایی همچون کندن

اینکه مهاجران غیرقانونی انجام کارهای کثیف، خطرناک و با مهارت پایین مشکل و سنگین را بر دوش می‌کشند دارای اهمیت است. انجام چنین کارهایی توسط کارگران بومی مستلزم پیشنهاد دستمزدهای بسیار بالا از طرف کارفرمایان است. کارفرمایان جهت جذب کارگران بومی در این شغل‌ها، مجبورند هزینه‌های بیشتری در محیط کار و امکانات آن انجام داده و از شرایط نامطلوب این مشاغل بکاهند، زیرا در این حالت، یک محل کار تمیز، ایمن و بسیار خوشایند پدیدار می‌شود و دیگر کارگران بومی انتظار دستمزدهای بسیار بالا را ندارند. علاوه بر آن، کارفرمایان در جانشینی سرمایه به جای نیروی کار بسیار گران سرمایه‌گذاری می‌کنند تا مقدار تقاضای نیروی کار برای چنین شغل‌هایی را کاهش دهند. سرانجام بعضی از این شغل‌ها از بازار کار حذف می‌شوند. اما کالاها و خدماتی که ارزش تولیدی دارند، تولید می‌شوند؛ حتی اگر روش‌های تولید به‌علت هزینه بالای کارگران غیرماهر تغییر کنند.

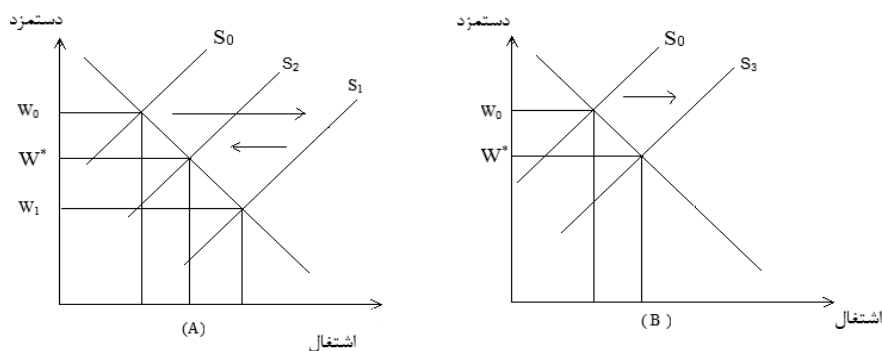
از دیگر پیامدهای مهم حضور مهاجران غیرقانونی، می‌توان به تأثیر آنها بر مهاجرت داخلی نیروی کار بومی و تعیین موقعیت جغرافیایی بنگاه‌ها اشاره کرد. بر روی نمودار ۳، دو بازار کار A و B مربوط به کارگران با مهارت پایین را در نظر گرفته و فرض می‌کنیم که مهاجران غیرقانونی و کارگران کم مهارت بومی جانشین کامل یکدیگر باشند. دستمزد اولیه بومیان در هر دو منطقه برابر W_0 است که در حالت تعادل از تقاطع منحنی عرضه نیروی کار S_0 با تقاضای نیروی کار به دست می‌آید. با ورود مهاجران به منطقه A منحنی عرضه نیروی کار متعلق به بازار کار این منطقه به سمت راست انتقال می‌یابد که با S_1 نشان داده شده است. این انتقال، سطح دستمزدها را به W_1 کاهش می‌دهد. کاهش دستمزد در بازار کار A بومی‌ها را وادار می‌کند که به بازار کار منطقه B (منطقه‌ای که مهاجران غیرقانونی وارد آن نشده‌اند) نقل مکان کنند. این امر، منحنی عرضه نیروی کار را در هر دو منطقه جابجا می‌کند. با خروج کارگران بومی از بازار کار منطقه A، منحنی عرضه آن به سمت چپ جابجا شده و دستمزدها به آرامی افزایش می‌یابد. اما منحنی عرضه نیروی کار در منطقه B به محض ورود کارگران بومی به سمت راست منتقل شده و دستمزدها کاهش می‌یابد. اگر مهاجرت در بین دو منطقه از لحاظ اقتصادی بدون هزینه باشد، مهاجرت از منطقه A به منطقه B تا زمانی ادامه می‌یابد که دستمزدها در دو منطقه برابر گردد. این حالت

فاضلاب مشغولند که نیروی کار بومی غالباً حاضر به انجام آنها نیست.

جدید تعادل، با منحنی‌های عرضه S_2 و S_3 در بازار کار مناطق A و B و سطح دستمزد مشترک W^* نشان داده شده است، چنانکه مشاهده می‌کنیم، مهاجرت کارگران بومی باعث تغییر وضعیت تعادلی می‌شود. به طوری که کارگران کم مهارت بومی حاضر در بازار کار مناطقی که پذیرای حجم انبوهی از مهاجران غیرقانونی هستند و کارگران کم مهارت بومی حاضر در مناطقی که تعداد اندکی از مهاجران غیرقانونی را در خود جای داده‌اند، به طور یکسان تحت تأثیر قرار می‌گیرند. به این معنی که تمامی کارگران با مهارت پایین بومی، هر کجای کشور که حضور داشته باشند، در اثر مهاجرت غیرقانونی با زیان مواجه می‌شوند (Borjas, 2005).

از طرفی دیگر، بنگاه‌های اقتصادی نیز به حضور مهاجران غیرقانونی در کشور واکنش نشان می‌دهند. کارفرمایان با توجه به تعداد زیاد مهاجران غیرماهر مایل به پرداخت دستمزد کمتر به این نوع از کارگران هستند. در نتیجه کارفرمایانی که از این نوع نیروی کار استفاده می‌کنند به منظور برخورداری از نیروی کار ارزان به سمت مناطقی که پذیرای بسیار زیادی از مهاجران غیرقانونی است، حرکت می‌کنند. کارآفرینان هم برای کسب سود بیشتر، بنگاه‌های جدیدی را که به شدت از نیروی کار غیرماهر استفاده می‌کنند، در مناطقی که نیروی کار غیرماهر به دلیل حضور مهاجران غیرقانونی فراوان است، احداث می‌کنند.

نمودار ۳. مهاجرت داخلی بومیان در پی ورود مهاجران غیرقانونی



۵. سیاست‌های برخورد با مهاجران غیرقانونی

ویژگی‌ها و اثرات خاص مهاجران غیرقانونی باعث شده تا کشورهای میزبان همیشه برخورد تندی با این نوع مهاجران داشته و سیاست‌هایی را در جهت کنترل ورود آنها به کشورشان اتخاذ کنند. برای کشورها، داشتن دسته‌ای از جمعیت که روند زندگی آنان خارج از قانون بوده و از حمایت کامل قانون شامل رفاه اجتماعی و امنیت اجتماعی بی‌بهره باشند، یک وضعیت نامطلوب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. پس اندیشیدن یک راه‌حل و اتخاذ یک سیاست مناسب الزامی است.

گسترش برنامه‌های مهاجرت قانونی می‌تواند به‌عنوان سیاستی در جهت افزایش عرضه مهاجران قانونی به امید کاهش ورود مهاجران غیرقانونی و تشویق کارفرمایان برای استخدام نیروی کار قانونی، اتخاذ شود؛ سیاستی که چند سال پیش توسط کشور انگلستان به کار گرفته شد. اما این سیاست به دو دلیل کارساز نیست: نخست اینکه بسیاری از بنگاه‌ها به استخدام نیروی کار ارزان قیمت ادامه داده و تنها تعداد بسیار اندکی از آنها استخدام‌های خود را به نیروی کار قانونی اختصاص می‌دهند. دیگر اینکه، گسترش و تحکیم شبکه‌های قانونی مهاجرت، می‌تواند جریان مهاجرت را خارج از برنامه‌های قانونی نیز شدت بخشد. در ضمن تجربه نشان داده، مهاجرانی که طبق این برنامه‌ها به‌صورت قانونی و موقتی وارد می‌شوند، بعد از اتمام دوره مشخص شده در ویزا همچنان در کشور مقصد مانده و به اشتغال غیرقانونی می‌پردازند (Boswell & Straubhaar, 2004). از این‌رو گسترش شبکه‌های قانونی مهاجرت، تنها می‌تواند بعضی از کارفرمایان را به استفاده از کارگران قانونی تشویق نماید که این امر نوسداری مشکل نبوده و نه تقاضای مهاجران غیرقانونی را از بین می‌برد، نه عرضه آنها را.

سیاست قابل اجرای دیگر اعطای مجوز به مهاجران غیرقانونی در طی یک برنامه عفو عمومی است. اما این سیاست نیز با مسائل و مشکلات خاصی مواجه است، به‌طوری‌که تجربه کشورهایی همچون ایتالیا، آمریکا و فرانسه حاکی از عدم کارساز بودن این سیاست است. این کار تقاضای نیروی کار غیرقانونی را از بین نبرده و برای افرادی که تلاش دارند به‌طور غیرقانونی وارد کشور شده و به اشتغال بپردازند، به‌عنوان یک نیروی جاذبه بسیار قوی به شمار می‌رود. آنها می‌دانند که بعد از چند سال حضور غیرقانونی، موقعیت قانونی خواهند یافت. عفو مهاجران غیرقانونی این امید را ایجاد خواهد کرد که در صورت فشار

آوردن این مهاجران، عفوهای بهتری نیز در آینده صورت گیرد. این امر هزینه‌های مهاجرت غیرقانونی را کاهش داده و منافع آن را زیاد می‌کند (Chiswick, 2000). بدین ترتیب مشوق مهاجرت‌های غیرقانونی خواهد بود. علاوه بر آن، حالت قانونی یافتن مهاجران غیرقانونی برای آنها حقوق جدیدی در پرداخت‌های انتقالی به دنبال خواهد داشت. آنها به احتمال زیاد اعضای خانواده خود را نیز به کشور مقصد بیاورند و احتمال بازگشت به کشورشان کاهش یابد؛ حتی زمانی که فرصت‌های شغلی به دلایل ادواری، فصلی و یا دلایل دیگر، در کشور مقصد کم شود. گذشته از آن، وجود این منافع انگیزه کارکردن مهاجران را کاهش داده و در نتیجه عرضه نیروی کار را پایین می‌آورد.

بسیاری از کشورها برای جلوگیری از ورود و اشتغال کارگران غیرقانونی بر روی سیاست کنترل شدید مرزها به‌عنوان بهترین ابزار بازدارنده تمرکز می‌کنند. این عمل با اینکه می‌تواند ورود مهاجران غیرقانونی را کاهش دهد، ولی مطمئناً عواقب نامطلوبی نیز در پی دارد. به دنبال تقویت چنین کنترل‌هایی، اغلب پدیده قاچاق نیروی انسانی شدت گرفته و شبکه‌های سازماندهی شده برای افزایش روش‌های قاچاق تلاش خواهند کرد. به دنبال افزایش تخصص شبکه‌های قاچاق، دولت‌ها مجبور خواهند شد که در تجهیزات گران‌قیمت جهت کنترل ورود غیرقانونی کارگران سرمایه‌گذاری کنند و کنترل‌ها به حدی شدید شود که به امر گردشگری نیز آسیب برساند. در ضمن، با کنترل بیش از حد مرزها، مهاجران غیرقانونی حاضر در کشور مقصد جهت به حداقل رسانیدن خطرات ورود و خروج مجبور به اقامت‌های طولانی‌تر خواهند شد (Chiswick, 1986).

جریمه کارفرمایانی که مهاجران غیرقانونی را به کار می‌گیرند، می‌تواند برای برخورد با اشتغال غیرقانونی مهاجران نسبتاً مناسب باشد. اما تجربه کشورهای هم‌چون آمریکا، فرانسه و آلمان نشان می‌دهد که این روش نیز کاملاً چاره‌ساز نیست. بنگاه‌ها راه‌های دور زدن قانون را یاد می‌گیرند. افزایش پختگی کارفرمایان و در دسترس بودن مدارک جعلی، شناسایی کارگران غیرقانونی را مشکل می‌سازد. به هر حال، سرمایه‌گذاری بیشتر در پرسنل پلیس و نهادهای مربوط به نیروی کار و مهاجران می‌تواند در جهت شناسایی کارگران غیرقانونی و جریمه کارفرمایان مؤثر واقع شود. در ضمن، جریمه‌ها باید شامل هزینه اخراج مهاجران از کشور نیز بوده و به اندازه کافی بالا باشد تا بتواند سود حاصل از به‌کارگیری مهاجران غیرقانونی را پوشش دهد. معمولاً کشورهایی که این سیاست را در پیش

می‌گیرند، مجازات کارفرمایان را در صورت دستگیری بیش از یک مرتبه، به پرداخت جریمه و مالیات یا کمک‌های اجتماعی معوقه محدود نمی‌کنند، بلکه محرومیت آنها از شرکت در مناقصه‌ها و محکومیت آنها به حبس را نیز در زمره موارد مجازات قرار می‌دهند (Chiswick, 1988).

لیبرال‌های اقتصادی در نظر گرفتن مشوق‌های مالی برای اشتغال کارگران قانونی را بهترین راه‌حل برای جلوگیری از فعالیت غیرقانونی مهاجران در بازار کار می‌دانند. آنها معتقدند که این روش با کاهش هزینه‌های اشتغال کارگران قانونی، انگیزه کارفرمایان برای استخدام کارگران غیرقانونی را از بین می‌برد. اما تجربه کشورهای مثل آمریکا، حاکی از عدم موفقیت این سیاست بوده و با وجود بازار کار انعطاف‌پذیر نیز اشتغال غیرقانونی مهاجران به‌عنوان یک مشکل مهم، برجا مانده است. تلاش‌های کشورهای اروپایی برای کاهش حداقل دستمزدها، پایین آوردن پرداخت‌های اجتماعی و سهولت شرایط کار به‌منظور رسیدن به بازار کار انعطاف‌پذیر، با اعتراض و ایستادگی اساسی نیروی کار قانونی و بسیاری از بخش‌های عمومی مواجه شده‌اند. در همین راستا آنها برای حل این مشکل اندیشه دیگری مبنی بر در نظر گرفتن معافیت از پرداخت‌های مالیاتی و کمک‌های اجتماعی را برای بعضی مشاغل خاص مطرح کردند. فرانسه و آلمان از کشورهایی هستند که این سیاست را به‌طور جدی دنبال می‌کنند، به‌طوری که در آلمان افراد بیکار می‌توانند شغل‌های فصلی را بدون پرداخت مالیات و هزینه‌های اجتماعی انجام دهند (Ibid).

سرانجام، با توجه به نقص هر کدام از روش‌های فوق باید گفت که بهترین روش برای مقابله با اشتغال غیرقانونی مهاجران، خصوصاً مهاجران افغانی کشورمان، در نظر گرفتن راهکارهایی برای حل مشکل تقاضای مهاجران است. نتایج مطالعات نشان می‌دهند که مهاجران افغانی به‌علت وجود جاذبه‌های موجود در ایران تن به بازگشت نمی‌دهند. مصاحبه‌های صورت گرفته با مهاجران افغانی این واقعیت را روشن ساخته‌اند که بیشتر افرادی که در ایران احساس امنیت مالی و شغلی می‌کنند، تمایلی به بازگشت ندارند (جمشیدیها، ۱۳۸۱). از این‌رو سیاست‌های طرف تقاضا به شکل افزایش احتمال دستگیری کارفرمایان و بالا بردن هزینه‌های به‌کارگیری نیروی کار غیرقانونی از طریق تشدید مجازات و نیز کاهش هزینه‌های استفاده از نیروی کار قانونی با در نظر گرفتن معافیت‌های

۱. برای مطالعه بیشتر به تحقیقات جمشیدیها و همکاران (۱۳۸۱ و ۱۳۸۳) رجوع شود.

مالیاتی و بیمه‌ای بهترین استراتژی در جهت مبارزه با اشتغال غیرقانونی مهاجران است.

۶. سیاست‌های ایران در مورد برخورد با مهاجران افغانی

سیاست اولیه دولت ایران در برخورد با مهاجران افغانی، سیاست درهای باز بود و هیچ محدودیت خاصی برای ورود افغان‌ها به ایران وجود نداشت. دولت ایران از مهاجرت اتباع افغانی که از حمله شوروی گریخته بودند با نام «مهاجرت اجباری مذهبی» یاد کرد و برخلاف کمیساریای عالی پناهندگان آنها را پناهنده به شمار نیاورد. این مهاجران که دسته‌بندی آنها از طرف حکومت ایران بر پایه اصول اسلامی انجام شده بود، هیچ محدودیتی برای عبور از مرزهای ایران نداشتند و در داخل کشور همانند یک شهروند ایرانی به مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و یارانه مواد غذایی دسترسی داشتند. در سال ۱۳۷۱، دولت ایران، به دنبال نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی خود و با عقب‌نشینی شوروی از افغانستان، اقداماتی نظیر شناسایی افغان‌های ساکن ایران، برگرداندن آنها به کشور خود، کاهش خدمات ارائه شده به افغان‌ها و قانونمند کردن محدودیت‌های شغلی به منظور کنترل مهاجرت افغان‌ها به ایران و بازگشت آنها به افغانستان انجام داد.^۱ با سقوط دولت طالبان، اقدامات ایران در جهت کنترل مرزها با هدف جلوگیری از ورود افغان‌ها به کشور، شدت بیشتری یافت. در آوریل ۲۰۰۲ میلادی، قرارداد سه‌جانبه‌ای بین ایران، افغانستان و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در مورد بازگشت افغان‌ها به امضا رسید و مقرر شد سالانه چهارصد هزار مهاجر افغانی به کشور خویش بازگردانده شوند. این قرارداد در سال ۲۰۰۳ به مدت دو سال دیگر تمدید شد (محمودیان، ۱۳۸۶). اما این اقدامات از تعداد مهاجران افغانی کشور کم نکرد و هنوز هم شاهد ورود تعداد بسیار زیادی از مهاجران غیرقانونی افغانی به کشورمان هستیم. البته کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تأکید دارد که افغان‌ها برای بازگشت به کشور خویش تحت فشار قرار نگیرند. افزون بر این، ترکیبی از ملاحظات انسانی، سیاسی و اقتصادی، دولت ایران را برای پذیرش طولانی‌تر مهاجران افغانی متقاعد کرده است (کریمی، ۱۳۸۳).

۱. همین تغییر رفتار دولت ایران در پذیرش مهاجران افغانی بود که حرکت‌های غیرقانونی در مرزهای دو کشور را پدیدار کرد.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مهاجران غیرقانونی از مهاجران قانونی دائمی و کارگران حاضر در بازار کار کشور مقصد سطح مهارتی کمتری دارند. این مهاجران، در بازار کار با کارگران با مهارت پایین بومی و در بازار مسکن و برای دریافت کمک‌های همگانی با خانواده‌های کم درآمد رقابت می‌کنند. ورود آنان به بازار کار، دستمزد کارگران غیرماه‌بومی را کاهش داده و با افزایش بازدهی سرمایه کارفرمایان، توزیع درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته مهاجران غیرقانونی معمولاً کارهایی را انجام می‌دهند که کارگران بومی حداقل تحت شرایطی که مهاجران تن به کار می‌دهند، حاضر به انجام آن کارها نیستند. کارفرمایان در صورت عدم به کارگیری مهاجران غیرقانونی، برای انجام این کارها باید دستمزد بالایی به کارگران بومی پیشنهاد داده و محیط کار مناسب‌تری را فراهم آورند.

عرضه و تقاضای مهاجران غیرقانونی تابعی از شرایط اقتصادی کشورهای مبدأ و مقصد، هزینه‌های مهاجرت و اقدامات مرزی و داخلی کشورها است. اختلاف بالای دستمزدها، هزینه‌های پایین مهاجرت، احتمال کم دستگیری مهاجران و جریمه اندک آنها در صورت دستگیری، عرضه مهاجرت غیرقانونی را افزایش می‌دهد. در عین حال هرچه دستمزد پرداختی به مهاجر غیرقانونی پایین بوده و احتمال شناسایی کارفرمایان به کارگیرنده مهاجران غیرقانونی کم و جریمه و مجازات در نظر گرفته شده برای آنها اندک باشد، تقاضا برای مهاجران غیرقانونی بالا خواهد بود. اما احتمال بالای دستگیری کارفرمایان خاطی و صدور جریمه‌های سنگین در صورت دستگیری آنها، انگیزه کارفرمایان برای به کارگیری مهاجران غیرقانونی را کاهش خواهد داد. این امر دستمزد مهاجران را کاهش داده و در کنار عواملی چون موقتی بودن مشاغل، عدم برخورداری از بیمه و عدم اطمینان از پرداخت دستمزدها به دلیل عدم حمایت‌های قانونی، سودآوری مهاجرت غیرقانونی را کاهش داده و عرضه آن را پایین می‌آورد.

برای برخورد با مهاجران غیرقانونی می‌توان سیاست‌های مختلفی همچون گسترش برنامه‌های مهاجرت قانونی، اعطای مجوز به مهاجران غیرقانونی، جریمه کارفرمایان و در نظر گرفتن مشوق‌های مالی برای اشتغال کارگران قانونی را در پیش گرفت. اما هر کدام از این سیاست‌ها با مشکلات خاصی مواجه بوده و نمی‌تواند به‌طور کامل چاره‌ساز و کنترل‌کننده مهاجرت غیرقانونی باشد. مطالعه تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که

بهترین روش برای مقابله با اشتغال غیرقانونی مهاجران، در نظر گرفتن راهکارهایی برای حل مشکل تقاضای مهاجران است. افزایش احتمال دستگیری کارفرمایان و بالا بردن هزینه‌های به‌کارگیری نیروی کار غیرقانونی از طریق تشدید مجازات و همچنین کاهش هزینه‌های استفاده از نیروی کار قانونی از طریق در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای بهترین استراتژی در جهت مبارزه با اشتغال غیرقانونی مهاجران است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی موحد، محمد (۱۳۸۲). «ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی با تأکید بر مهاجران افغانی ایران»، فصلنامه جمعیت، شماره ۴۳ و ۴۴.
- جمشیدیها، غلامرضا و یحیی علی‌بابایی (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجران افغانی با تکیه بر ساکنین گلشهر مشهد»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- کریمی، زهرا (۱۳۸۳). «تأثیر مهاجران افغانی بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۸.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۶). «مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۴.
- وزارت کشور (۱۳۸۰). طرح سرشماری اتباع خارجی در ایران.

ب) منابع لاتین

- Abbasi-Shavazi, et al. (2006). "Afghan Transnational Networks: Looking Beyond Repatriation", Afghanistan and Research Evaluation Research (AREU), Kabul.
- Altonji, J. G., and Card, D. (1991). "The Effects of Immigration on the Labor Market Outcomes of Lessskilled Natives", In J. Abowd and R. Freeman (eds), Immigration, Trade, and the Labor Market (pp. 201-234). Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Borjas, George J. (2005). "Labor Economics", Third Edition, McGraw-Hill / Irwin.
- Boswell, C. Straubhaar, T. (2004). "The Illegal Employment of Foreigners in Europe", Intereconomics, January/February.
- Chiswick, Barry R. (2000). "The Economics of Illegal Migration for the Host Economy", Natioanal Association for Business Economics.
- Chiswick, Barry R. (1983). "Illegal Aliens in the United States Labor Market", in Burton Weisbrod and Helen Hughes, eds., Human Resources, Employment and Development, Vol. 3, The Problems of Developed Countries and The International Economy, London: Macmillan: 346-367.
- Chiswick, Barry R. (1984). "Illegal Aliens in the United States Labor Market: Analysis of Occupational Attainment and Earnings", International Migration Review, Vol. 18, No. 3, Fall: 714-732.
- Chiswick, Barry R. (1986). "The Impact of Illegal Aliens and the Enforcement of Immigration Law", in Robert J. Thornton and J. Richard Aronson, eds., Forging New Relationships Among Business, Labor and Government, Greenwich: JAI Press:105-118.
- Chiswick, Barry R. (1988). "Illegal Immigration and Immigration Control", Journal of Economic Perspectives, Vol. 2, No. 3, Summer: 101-115.
- Piyasiri, et al. (2006), "Afghan Household and Workers in Iran, Profile and Impact"; A study funded by the European Commission, International Migration Program, International Labor Office- Geneva.